

روانشناسی و کاربرد آن در آموزش

دکتر فریده حمیدی

دانشیار روانشناسی ، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

با همکاری

دکتر سارا دازی و خانم زهرا تقوی

فصل پنجم هوشی و تفاوت های فردی



سؤال های فصل

مفهوم هوش از دیدگاه روانسنجی چیست؟
آیا هوش مشتمل بر یک توانایی یا توانایی های
چندگانه است؟
سبک های شناختی، یادگیری و فکری چه نقشی
در یادگیری دارند؟
ابعاد هوش موفق کدامند؟
استرنبرگ سبک های شناختی را چگونه تبیین
می کند؟



دیدگاه های کلی هوش

در روان شناسی جدید دو دیدگاه کلی در مورد هوش وجود دارد:

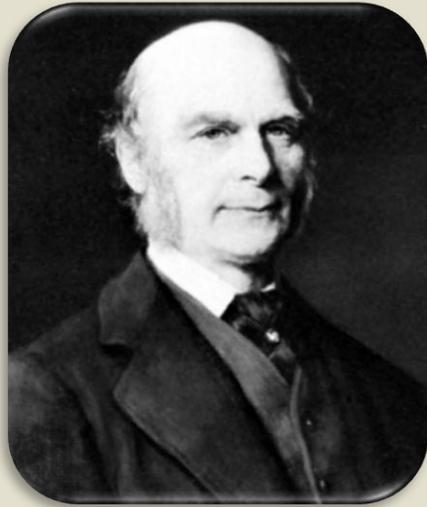
- **رویکرد رشدی:** نظریه های اندیشمندی که در زمینه رشد کودک به مطالعه و تحقیق پرداخته اند که نمونه بارز آن در آثار پیاژه و نظریه پردازان پردازش اطلاعات متبلور شده است.
- **رویکرد روانسنجی:** نظریه هایی است که براساس کمی نگری، نوعی دیدگاه روانسنجی را در مطالعه هوش وارد کرده اند؛ نمونه این تلاشها در آثار بینه، اسپیرمن، ترستون و امثال آنها مشاهده می شود.

هوش چیست

در تعریف هوش روان شناسان اتفاق نظر ندارند. هوش:

- قدرت یادگیری و حل مساله
- توانایی تفکر انتزاعی
- قدرت سازگاری با محیط
- آنچه از آزمون های هوشی حاصل می شود

تاریخچه پیدایش آزمون های هوشی



قرن نوزدهم: گرایش به اندازه گیری تواناییهای انسان از قرن نوزدهم و توسط فرانسیس گالتون آغاز شده است و این تلاش در شکل گیری رویکرد روانسنجی موثر بوده است.



قرن بیستم: آزمون های هوشی جدید در اوایل قرن بیستم به وسیله آلفرد بینه و همکارش سیمون تدوین شد. هدف از تدوین این آزمون ها شناسایی کودکان کم هوشی بود که نمی توانستند از برنامه های عادی تعلیم و تربیت استفاده کنند.

آزمون های بینه و سیمون

- آزمون آنها به استدلال و داوری کودک نیاز دارد و متضمن مسائلی است که بدون ارتباط به یادگیریهای قبلی کودک قابل حل است.
- آزمون ها فقط جنبه کاربردی داشتند(هیچ گونه پشتوانه نظری دقیق یا تعریف مشخصی از هوش نداشتند).
- تنظیم سئوالات آزمون ها براساس میزان دشواری
- تجدیدنظرهای متعدد در آزمون های اولیه بینه و سیمون و در نهایت تنظیم آن براساس مقیاس سنی در سال ۱۹۰۸
- ترجمه به انگلیسی آزمون بینه به وسیله ترمن و همکارانش در دانشگاه استنفورد، به نام آزمونهای استنفورد - بینه شهرت یافت و به سال ۱۹۱۶ انتشار یافت. ترمن، اصطلاح هوشبهر (I.Q) را برای اولین بار به کار برد. که به کمک فرمول زیر محاسبه می شود:

$$IQ = ۱۰۰ \times \text{سن تقویمی} / \text{سن عقلی} = IQ$$

□ **بینه چگونه توانست شواهد روشنی برای اندازه‌گیری واقعی هوش ارائه دهد؟**

راه حل بینه: یک کودک معمولی بزرگتر، باهوش‌تر از یک کودک معمولی کوچکتر است. او با این سؤالات، کودکان سنین مختلف را امتحان کرد؛ اگر کودکان بزرگتر در مقایسه با کودکان کوچکتر، به طور پایدارتری قادر به پاسخگویی به سؤالات بودند فرض می‌کرد که این سؤالات، هوش را اندازه می‌گیرند. بینه دریافت اگر در سنی، جواب دادن به سؤالاتی خاص، آسان‌تر از سن پایین‌تری باشد، آن سن می‌تواند مبنای مناسبی برای سازمان دادن مواد آزمون باشد. بنابراین، او سؤالات را براساس سطوح سنی گروه بندی کرد، یعنی اگر فقط تعداد کمتری از کودکان چهارساله قادر به پاسخگویی به سؤال خاصی بودند، ولی گروه بیشتری از هفت‌ساله‌ها قادر به جواب دادن به سؤال مورد نظر بودند او آن سؤال را در گروه سؤالات مربوط به هفت ساله‌ها قرار می‌داد (بیلر و اسنومن، ۱۹۸۶).

وکسلر و آزمونهای هوشی

- آزمونهای هوشی وکسلر شامل سه آزمون هوشی برای اندازه‌گیری هوش بزرگسالان، خردسالان و کودکان قبل از دبستان است که از لحاظ ساخت کلی مشابهند.
- آزمون هوشی وکسلر در قسمت خردسالان، نمونه‌ای ساده‌تر از آزمون بزرگسالان است. یکی از مزیت‌های این آزمون علاوه بر دریافت بهره هوشی (مانند آنچه در آزمون بینه وجود دارد)، ارائه نمره‌های هوشی مختلف برای استعدادهای غیرکلامی و کلامی است.
- تفاوت آزمون بینه و وکسلر:
 ۱. آزمونهای وکسلر نخست برای بزرگسالان، ولی آزمونهای بینه - سیمون در اصل برای کودکان طراحی شده بود.
 ۲. آزمونهای وکسلر مبتنی بر سطوح سنی نیست، بلکه براساس آزمونهای زیرمجموعه خود سازمان یافته است.
 ۳. آزمون وکسلر هم هوشبهر کلامی و هم غیرکلامی فراهم می‌کند (ناگیری، ۱۹۸۸).

آزمون هوشی وکسلر بزرگسالان (WAIS)

- تا سال ۱۹۳۹ آزمونی برای سنجش هوش بزرگسالان موجود نبود تا اینکه آزمون هوشی وکسلر بزرگسالان (WAIS) تهیه شد و مورد استقبال روان‌شناسان قرار گرفت. این آزمون برای افراد ۶ تا ۱۰ ساله تهیه شده است و شامل یازده قسمت است: پنج آزمون عملی و پنج آزمون کلامی و یک آزمون لغت.
- آزمون بزرگسالان وکسلر بیش از دو آزمون دیگر کاربرد دارد و از لحاظ قدرت ارزشیابی هوش بااهمیت‌تر است. این مقیاس شامل دو بخش بدین شرح است:

آزمون هوشی وکسلر بزرگسالان (WAIS)

Full-Scale IQ (FSIQ)

هوش کلامی (VIQ)

هوش عملی (PIQ)

شاخص درک مطلب
(VCI) کلامی

شاخص حافظه کاری
(WMI)

شاخص سازماندهی ادراکی
(POI)

شاخص سرعت پردازش
(PSI)

واژگان
شباهت ها
اطلاعات عمومی
درک مطلب

حساب
فراختای ارقام
توالی حروف- عدد

تکمیل تصویر
طراحی با مکعب ها
استدلال ماتریسی

رمزنویسی نماد- رقم
جستجوی نماد

آزمونهای گروهی هوش

آزمون های انفرادی هوش:

□ اجرا به وسیله افراد مجرب

□ زمان برگزاری حداقل یک و حداکثر دو ساعت؛



آزمونهای گروهی هوش:

□ آزمون تعداد زیادتری از افراد به صورت همزمان

□ کم بودن هزینه اجرا،

□ کم بودن مدت زمان لازم برای اجرا،

□ اجرا در شرایط مشابه برای مقایسه های بعدی

□ در پاسخگویی به این آزمونها، مهارت خواندن نقش مهمی

دارد(فقدان اعتبار کامل).



نظریه‌های روان‌سنجی در هوش

- توجه روان‌شناسان به اندازه‌گیری هوش از زمان پرداختن به فرایندهای ساده روان‌شناختی، مانند سرعت واکنش، حافظه و آنچه به وسیله افکار گالتون رواج یافته بود، آغاز شد. در ابتدای امر، میزان «سازگاری فرد با محیط» بیش از همه مورد توجه بود؛ زیرا در برخورد اول به کودکانی توجه می‌شد که عقب‌مانده تلقی می‌شدند و نمی‌توانستند خود را با محیط سازگار کنند و گاه حتی بدون کمک دیگران ادامه زندگی برایشان دشوار و یا غیرممکن بود.

در ارائه تعریفی جامع از هوش، بین روان‌شناسان اختلاف نظر بسیاری وجود دارد. با بررسی این تعاریف شاید بتوان تنها نقطه مشترک بین آنها را در توانایی تفکر انتزاعی دانست. گروهی از روان‌شناسان، هوش را قدرت یادگیری دانسته‌اند (جاناسن، ۱۹۹۳) بعضی مانند وکسلر، هوش را «مجموعه‌ای از تواناییهای کلی و عمومی فرد برای عمل هدفدار، تفکر منطقی و سازگاری مؤثر با محیط» تعریف کرده‌اند (وکسلر، ۱۹۹۴، ص ۳). بینه و سیمون هوش را قضاوت در جهت درک و استدلال درست می‌دانستند. ترمین آزمونهای هوشی استنفورد - بینه را وسیله‌ای برای اندازه‌گیری یک عامل عمومی در هوش می‌داند که می‌توان آن را توانایی حل مسائل انتزاعی نامید. قدرت سازگاری با محیط نیز از دیگر تعاریف ارائه‌شده درباره هوش است.

ماهیت هوش

براساس تعاریف موجود از هوش، روان‌شناسان به نظریات مختلفی در مورد ماهیت هوش پرداخته‌اند. عده‌ای آن را «عامل عمومی» تلقی می‌کنند که نوع رفتار فرد را در موقعیتهای مختلف مشخص می‌کند.

□ **بینه** هوش را قابلیت درونی برای حل مسئله می‌دانست و بر این اساس سعی کرد آزمونی تهیه کند که در تمام فرهنگها قابل اجرا باشد.

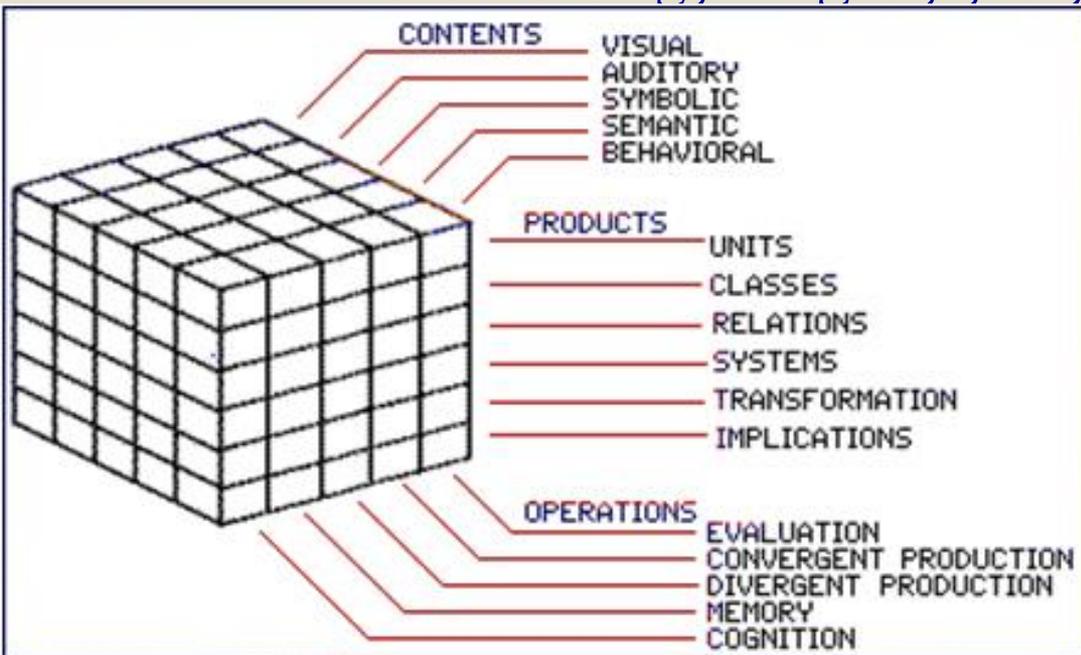
گروهی معتقدند هوش از تعدادی عوامل مستقل تشکیل یافته که این عوامل در افراد مختلف به نسبت‌های متفاوت وجود دارد (عوامل اختصاصی).

□ **اسپیرمن** عقیده داشت در هر فعالیت ذهنی دو عامل دخالت دارد: عامل کلی و عامل اختصاصی.

- **اسپیرمن** کارش را با همبستگی بین آزمونها آغاز کرد و به این نتیجه رسید که بیشتر آزمونها عامل مشترکی دارند، یعنی در تمام فعالیتهای فکری یک عامل مشترک دخالت می کند به نام «G»؛ ولی اسپیرمن، خود این عامل را نامگذاری نکرده بود. او عوامل اختصاصی را به نام عامل «S» در هوش نامگذاری می کند که نشاندهنده استعدادهای مختلف است.
- به نظر اسپیرمن، افراد نه تنها در عامل «S» با یکدیگر تفاوتی دارند، بلکه عامل «G» نیز در همه یکسان نیست و در تمام فعالیتهای فکری عامل «G» به یک نسبت مؤثر نیست.
- **ترستون** به این نتیجه رسید که حتی عامل عمومی اسپیرمن هم می تواند به عواملی تجزیه شود. این عوامل عبارتند از: استعداد عددی، روانی کلامی، درک معنی کلامی، استدلال، حافظه، درک روابط فضایی و سرعت ادراک. اما ترستون نتوانست اطلاعات کافی برای حمایت از استقلال عوامل مربوط به نظریه چند عاملی خود را ارائه دهد.

ماهیت هوش

- گیلفورد کار ترستون را ادامه داد و آنقدر عوامل هوش را تجزیه کرد تا اینکه الگویی از هوش ارائه داد و برای هوش ۱۲۰ عامل مختلف معرفی کرد. نظریه گیلفورد در مورد هوش، منظم تر و کامل تر از فرضیه اسپیرمن، به نام «S»، و ترستون، به نام تواناییهای اولیه ذهنی است.
- فرضیه او شامل پنج عمل ذهنی، چهار محتوا و شش محصول است.



اعمال ذهنی مورد نظر گیلفورد برای اندیشیدن برای بهبود آموزش اهمیت ویژه‌ای دارد:

۱. **شناخت:** کشف فوری، آگاهی، کشف مجدد یا بازشناسی اطلاعات در اشکال مختلف فهم....

۲. **حافظه:** نگهداری یا ذخیره‌سازی اطلاعات و قابلیت دسترسی به آنها به همان صورتی که در وهله اول به ذهن سپرده شده است.

۳. **تولید همگرا:** استفاده از اطلاعات به صورتی که فقط به یک پاسخ صحیح یا بهترین پاسخ شناخته‌شده و رایج منجر شود.

۴. **تولید واگرا:** تفکر سازنده در زمینه‌های مختلف، چه در پژوهش و چه در کشف تفاوتها، به نحوی که به جای اندیشیدن به یک راه‌حل، به ابعاد مختلف مسئله و راه‌حل‌های متعدد توجه شود.

۵. **ارزشیابی:** ملاک‌هایی برای ارزشیابی تعیین می‌شود و در صورت کفایت اطلاعات و توانایی

یادآوری آن برای تفکر سازنده اقدام می‌شود (گیلفورد، ۱۹۵۹).

نظریه رشدی پیاژه در برابر نظریه روان سنجی :

- تردید پیاژه در مورد اعتبار تست هوش بینه - سیمون (مکانیکی بودن آن)
- پیاژه: توجه به تغییرات کیفی در برابر تغییرات کمی؛ کودکان در سنین مختلف تواناییهایی برای حل مسائل مخصوص به سن خود را دارند و کیفیت نظام فکری آنها در مراحل مختلف متفاوت است.
- پیاژه : هرگز نمی توانیم به ماهیت هوش پی ببریم و آن را اندازه بگیریم، مگر اینکه چگونگی تحول آن را بدانیم.



راهبردهای جانشینی در تبیین هوش

سؤال اساسی رویکردهای جدید :

آیا پردازش اطلاعات یا یادگیری، همان هوش است؟

پاسخ:

بررسی نحوه ذخیره اطلاعات در حافظه و استفاده از آنها در حل تکالیف هوشی، صحیح ترین تبیین از هوش را به دست می دهد. روان شناسان شناختی به جای تأکید بر ساختار هوش و بررسی اجزاء آن، به فرایندهایی که اساس فعالیت های هوشی اند توجه می کنند.



الگوهای چندوجهی در تبیین هوش

هوش چندوجهی استرنبرگ

استرنبرگ (۱۹۸۸) با استفاده از رویکرد مولفه ای - تحلیلی نظریه ای در هوش موفق ارائه داد که نظریه ای فرآیندی - شناختی در بررسی هوش است. بر اساس این نظریه فرایندهای اکتساب دانش، فرامولفه ها و مولفه های عملکردی زیربنای همه جنبه های هوش است.

□ مؤلفه های کسب دانش: در دستیابی به اطلاعات جدید و نگهداری آن دخیلند.

سه مؤلفه عمده در پردازش اطلاعات برای کسب دانش مهمند: رمزگردانی؛

ترکیب انتخابی؛ مقایسه انتخابی

□ فرامؤلفه ها: آن دسته از فرایندهای اجرایی که در برنامه ریزی، ارزیابی و نظارت فعالیت ها مورد استفاده قرار می گیرند.

فرد با فرامؤلفه ها، تصمیم می گیرد که از کدام اجزاء عملکرد یا چه ترکیبی از اطلاعات برای حل مسئله استفاده کند. مثال هایی از فرامولفه ها عبارتند از تشخیص وجود مساله، تعریف ماهیت مساله، تصمیم گیری در مورد انتخاب راهبرد

برای حل مساله، نظارت بر حل مساله و ارزیابی راه حل (استرنبرگ، ۲۰۰۵)

الگوهای چندوجهی در تبیین هوش

هوش چندوجهی استرنبرگ

مؤلفه‌های عملکردی: دستورات فرامولفه‌ها را عملی می‌کنند

- برای مثال با استفاده از استنباط، چگونگی ارتباط دو محرک مشخص می‌شود. بر این اساس، دستورات و برنامه‌ها به منظور کاربرد آنچه که فرد استنباط کرده، مورد استفاده قرار می‌گیرد (استرنبرگ، ۲۰۰۵). به نظر استرنبرگ، تعداد مؤلفه‌های عملکردی که در پردازش یک تکلیف دخیلند بسیار زیادند، ولی می‌توان مؤلفه‌هایی را مشخص کرد که در بخشهای وسیعی از تکالیف قابل اجرا هستند؛ چنین مؤلفه‌هایی از این قرارند:
- رمزگردانی اطلاعات؛ استنباط روابط؛ طرح‌ریزی روابط مرتبه بالاتر؛ به کار بستن روابط؛ مقایسه و تقابل؛ توجیه و پاسخ

انگوهای چندوجهی در تبیین هوش هوش چندگانه گاردنر



به نظر گاردنر، مجموعه‌ای از تواناییها و مهارتها در افراد مختلف به اشکال گوناگونی بروز می‌کند. او و همکارانش برای تشریح انواع هوش، با بررسی تواناییهای شناختی افراد عادی، عوارض آسیب‌شناختی و فرایندهای شناختی در گروههای خاص، نظریه هوشی چندگانه خود را ارائه داده‌اند (گاردنر، ۱۹۸۳؛ گاردنر و هچ، ۱۹۸۹).

نظریه هوش چندگانه گاردنر، الگوی جالبی برای فکر کردن درباره تفاوت‌های فردی است. به نظر گاردنر ترتیب انواع هوش، به معنای اهمیت یا برتری آنها بر یکدیگر نیست؛ اهمیت هر یک از آنها یکسان است.

الگوهای چندوجهی هوش

- الگوهای چند وجهی هوش تبیین کننده و پیش بینی کننده مهارت‌های متفاوت انسان ها، انتخاب مشاغل مختلف، پرداختن به سرگرمی‌های گوناگون و نیز انتخاب دوستان متفاوت است.
- در رویکردهای جانشینی، هوش فرایندی نیست که بتوان آن را با آزمون‌های هوشی سنجید، بلکه عبارت است از توانایی فرد در حل یک مشکل یا انجام یک تکلیف.
- با پذیرش الگوهای چندوجهی در هوش، آموزش به روش‌های صرفاً آموزشی کلامی و ریاضی محدود نمی‌شود، بلکه روش‌های آموزشی با توجه به توانایی‌های دانش‌آموزان تنظیم می‌شود. طرح مدرسه آینده از نظر این دیدگاه چنین است که افراد، توانایی‌ها و علائق متنوعی دارند و علاوه بر اینکه از نظر توانایی‌ها با یکدیگر شباهت ندارند، دارای روش‌های یادگیری متنوعی‌اند؛ بنابراین، برای آموزش آنها باید از شیوه‌های گوناگونی سود جست.

نقش وراثت و محیط در هوش

- امروزه معتبرترین نظریه این است که هر دو عامل محیط و وراثت به نحوی بسیار پیچیده در هوش تأثیر دارند و جدا کردن تأثیر آنها غیرممکن است؛ ولی چون اطلاعات ما در مورد عوامل محیطی بیشتر است، ابتدا عوامل محیطی بررسی می‌شود.
- در هوش کودکان اغلب سه تا ده ساله تفاوت قابل ملاحظه‌ای وجود دارد. از آنجا که در بعضی از موارد این تغییرات با تغییراتی که در زندگی آنها پیش می‌آید همبستگی دارد، چنین نتیجه‌گیری شده است که خصوصیات شخصیت کودک می‌تواند بر هوش او تأثیر بسزایی داشته باشد.
- اگر کودکی برای تقویت تواناییهای ذهنی‌اش مرتب تشویق شود و انگیزه کافی برای بهبود تواناییهایش داشته باشد، به طوری که معیارهای بالایی را در این زمینه مد نظر قرار دهد، به احتمال زیاد در مقایسه با کودکی که چنین نیست، بهره‌های بالاتری خواهد داشت؛ چون کودکان بعضی از خانواده‌ها، بیشتر از کودکان خانواده‌های دیگر تشویق به بهتر خواندن، نوشتن، حساب کردن و... می‌شوند، در نتیجه عملکرد بهتری در آزمونهای هوشی و فعالیت آموزشی نشان می‌دهند.

نقش وراثت و محیط در هوش

- مطالعات بلوم (۱۹۶۴)، هانسن (۱۹۷۲) و ولف (۱۹۶۶) نشان داده است آنچه که والدین در تعامل با کودکان در خانه انجام می‌دهند، عامل اصلی پیشرفت آنها در مدرسه است.
- به طور خلاصه، ویژگیهای فرد، با عوامل متعددی از جمله وراثت، فرهنگ، طبقه اجتماعی و تأثیرات خانوادگی تعیین می‌شود که با یکدیگر نیز در تعاملند. وراثت، محدودیتهایی در دامنه رشد بعضی از خصوصیات ایجاد می‌کند، ولی در درون این دامنه، خصوصیات فرد با عوامل محیطی تعیین می‌شود. وراثت، عامل استعدادهای بالقوه‌ای است که محیط ممکن است آنها را پرورش دهد یا پرورش ندهد. همچنین می‌توان تأثیرات متقابل نیروهای وراثت و محیط را در هر یک از جنبه‌های مهم شخصیت انسان مشاهده کرد.

کنترل کننده‌های شناختی

- دانش‌آموزان، خصوصیات شناختی دیگری دارند که تا حدودی از هوش مستقل است. بنابراین، برای تعیین مناسب‌ترین روشهای تدریس، تنها باید به تواناییهای شناختی‌شان بلکه باید به کنترل‌کننده شناختی آنها نیز توجه کرد (مسیک، ۱۹۷۶، ۱۹۸۴).

- سبکهای شناختی، یعنی نحوه دریافت، نگهداری آموخته‌ها، تفکر و حل مسئله مورد توجه محققان بسیاری قرار گرفته است. مهم‌ترین سبک‌های شناختی مورد نظر ساموئل مسیک عبارتند از:

سبک‌های تاملی و سبک‌های تکانشی

سبک‌های پیچیده شناختی و سبک‌های ساده شناختی

سبک‌های شناختی مستقل از زمینه و وابسته به زمینه

سبک های تأملی و سبک های تکانشی

تکانشی	تأملی
پرجنب و جوش	تأملی
مضطرب	فکور
حرکتی	کلامی
کلی	تحلیلی
غیرمتمرکز(پراکنده)	متمرکز
تحریک پذیر	آرام
ناموفق در تحصیل	موفق در تحصیل
حساس به پاداش	بی توجه به پاداش
متاثر از آینده	متاثر از زمان حال

سبک های پیچیده شناختی و سبک های ساده شناختی

□ پیری، پیچیدگی شناختی را با توجه به امکان تجزیه نظام شناختی (با سلسله مراتب یا با طبقات) می‌سنجد. نظام شناختی پیچیده، ساختهای شناختی زیادی را دربر می‌گیرد و موجب تمایز قابل توجهی در ادراک پدیده‌ها می‌شود. نظام شناختی ساده، دارای ساختهای شناختی کمی است و در تحلیل رفتارهای اجتماعی از متغیرهای متمایزکننده معدودی استفاده می‌کند.

□ تحقیقات مربوط به رشد در این زمینه بر دو متغیر تأکید دارد: یکی، افزایش پیچیدگی ساختهای شناختی با توجه به سن (کراکت و هایدن، ۱۹۸۲) و دیگری، تغییرات کیفی در ماهیت ساختهای شناختی و توانایی کودکان در همدلی با دیگران و درک ساختهای شناختی آنها (آدامز - وبر، ۱۹۸۲؛ موريسن و کامتا، ۱۹۸۲).

□ عوامل تعیین‌کننده ساختهای شناختی پیچیده :

زمینه‌های فرهنگی در دوران کودکی (سچرست و جکسن، ۱۹۶۱).

والدین کودکان دارای پیچیدگی شناختی استقلال بیشتری به کودکان خود می‌دهند و کمتر مستبدند (کراس، ۱۹۸۸).

سبک های پیچیده شناختی و سبک های ساده شناختی

افراد با شناخت ساده	افراد با شناخت پیچیده
یک بعدی	چندبعدی
بی توجه	دقیق
همگرا/ساده	واگرا/ پیچیده
واقعیت مدار	مفهوم مدار
عینی	انتزاعی
حسی	شهودی
گمانه ای	ادراکی
علاقه مند به واقعیات	علاقه مند به زمینه های مفهومی
انعطاف ناپذیر	انعطاف پذیر
مطلق گرا	نسبی گرا
خام	آزموده

سبک های شناختی مستقل از زمینه و وابسته به زمینه

- بررسی و مقایسه سبکهای شناختی مستقل از زمینه و وابسته به زمینه به وسیله ویتکین (۱۹۶۲)، انجام شده است.
- یادگیرندگان دارای سبک شناختی وابسته به زمینه، به محرکهای بیرونی وابسته بوده، ساختار موجود در درک یک موضوع را می پذیرند و به راهنمایی و هدایت دیگران نیازمندند و نسبت به پاداشهای بیرونی حساسیت نشان می دهند در حالی که یادگیرندگان مستقل از زمینه، به نحوی فعالانه و خلاق، ساختار خاص خود را خلق می کنند و در یادگیریهای خود به هدایت و راهنمایی کمتری نیاز دارند.
- به نظر می رسد وابستگی و عدم وابستگی به زمینه، با رشد انسان در طی زمان تغییر می کند.

افراد وابسته به زمینه	افراد با شناخت ساده
ادراک کلی	تحلیلی (جزء‌نگر)
پذیرای ساختار	مبدع ساختار جدید
برانگیخته از بیرون	برانگیخته از درون
حساس به اطلاعات اجتماعی (محرکهای محیطی)	بی توجه به محرکهای محیطی
اجتماعی و خونگرم	کناره‌گیر
گروه‌گرا	فاصله‌گیر
سنت‌گرا	تجربه‌گرا
فرضیه‌پذیر	فرضیه‌ساز
متکی بر واقعیات	متکی بر مفاهیم انتزاعی
به اطلاعات نامربوط می‌پردازد	فقط به اطلاعات مربوط می‌پردازد
پذیرای ایده‌هاست	افکار را تحلیل می‌کند
متأثر از طرح / ساختار	کمتر تحت تأثیر طرح / ساختار
تحت تأثیر احساسات و تصمیم‌گیریهای دیگران	درون‌گرا
حساس نسبت به دیگران	بی تفاوت نسبت به جریان‌های اجتماعی
تحت تأثیر فشار روانی	فشار درونی را نادیده می‌گیرد

شخصیت

• تاثیر متقابل شخصیت - موقعیت

نظریه ای مبتنی بر این که بهترین راه توصیف ویژگی های شخصیتی یک فرد بیان خصلت ها و خصوصیات او به تنهایی نیست، بلکه باید موقعیت وی را نیز در نظر گرفت.

خلق و خو

- شیوه های رفتاری فرد و روش های مشخص پاسخ دادن او.

- رده بندی خلق و خو توسط چیس و توماس (۱۹۹۷):

- کودک آسان

- کودک دشوار

- کودک دیرجوش

خلق و خو: کودک آسان

- منظم، ریتم های بیولوژیکی قابل پیش بینی
- با محرک های جدید به صورت مثبتی برخورد می کند
- به راحتی با تغییرات منطبق می شود
- معمولاً از نظر بیان حالات مثبت است
- مدیریت وی راحت است
- ۴۰٪ کودکان در این طبقه قرار می گیرند



خلق و خو: کودک دشوار

- نامنظم، ریتم های بیولوژیکی غیرقابل پیش بینی
- اغلب واکنش منفی دارد
- از محرک های جدید اجتناب می کند.
- به سختی با تغییرات انطباق می یابد.
- دارای تمایلات پرخاشگرانه و فاقد خویشتن داری است
- مدیریت رفتار وی دشوار است.
- در حدود ۱۰٪ کودکان دشوار هستند.



خلق و خو: کودک دیرجوش

- کارکردهای بیولوژیکی ممکن است منظم باشد یا نباشد
- اجتناب آغازین نسبت به محرک های جدید
- به کندی با تغییرات انطباق می یابد
- اغلب خجالتی در نظر گرفته می شود
- در انطباق با محرک جدید مشکلات زیادی پیدا می کند
- حالات منفی زیادی دارد
- ۱۵٪ کودکان دیرجوش هستند



راهکارهای تدریس مرتبط با خلق و خوی کودک

- به فردیت توجه نشان دهید و به آن احترام بگذارید
- ساختار محیط دانش آموزان را در نظر بگیرید
- از مشکلات که برچسب «دشوار» برای کودک و به کار بردن برنامه های پیش ساخته برای «کودکان دشوار» ایجاد می کند، اجتناب کنید.

نمونه سوالات

۱. اولین کسیکه در تاریخ بشر تواناییهای انسان را اندازه گیری کرد چه کسی بود؟

الف) بینه ب) گالتون ج) سیمون د) وکسلر

۲. کدامیک از رویکردها دیدگاه کمی نسبت به هوش دارد؟

الف) رشدی ب) روانکاوی ج) روانسنجی د) همه موارد

۳. اولین آزمون هوشی توسط چه کسی و در چه قرنی ساخته شد؟

الف) گالتون قرن ۱۹ ب) گالتون قرن ۲۰

ج) بینه و سیمون قرن ۱۹ د) بینه و سیمون قرن ۲۰

۴. هدف آزمون هوشی را که بینه و سیمون ساخته بودند، چه بود؟

الف) شناسایی کودکان باهوش ب) شناسایی توانایی کودکان

ج) شناسایی بزرگسالان کم هوش د) شناسایی کودکان کم هوش

۵. "هوش مجموعه ایی از تواناییهایی کلی و عمومی فرد برای عمل هدفدار تفکر منطقی و سازگاری موثر با محیط است" را چه کسی بیان کرده؟

الف) جاناسن ب) وکسلر ج) ترمن د) بینه

۶. سن عقلی کودکی که IQ او برابر ۱۳۰ و سن تقویمی او ۱۳ باشد چقدر است؟

الف) ۱۶ ب) ۱۷ ج) ۱۸ د) ۱۹

۷. کدامیک از ویژگیهای زیر مربوط به سبک تاملی می باشند؟

الف) مضطرب ب) تحریک پذیر ج) متاثر از آینده د) فکور

۸. کودکان با کدام خلق و خو ۴۰٪ از افراد را تشکیل می دهند؟

الف) آسان ب) دشوار ج) دیرجوش د) نا آرام

۹. کودک با کدام خلق و خو ریتم های بیولوژیکی غیرقابل پیش بینی دارد؟

الف) آسان ب) دشوار ج) دیرجوش د) نا آرام

۱۰. کدام راهکار تدریس مناسب با خلق و خواست؟

الف) تفاوت‌های فردی ب) محیط تدریس ج) معلم مناسب د) الف و ب

پاسخنامه

شماره سوال	پاسخ
۱	ب
۲	ج
۳	د
۴	د
۵	ب
۶	ب
۷	د
۸	الف
۹	ب
۱۰	د